

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۱ مارچ ۲۰۲۳

رونمایی از منشور شش نفره!

بعد از مدت‌ها وعده و وعید رضا پهلوی و پنج همکار دیگرش، بالاخره ساعاتی پیش، منشور شش نفره از خارج کشور و هزاران فرسخ دورتر از ایران، اما برای جامعه ۸۵ میلیونی ایران صادر و در برخی شبکه‌های اجتماعی رونمایی شد؟!

مبارک باد!

نزدیک به یک ماه پیش منشور حداقلی ۲۰ تشکل صنفی و مدنی ایران منتشر شده بود این منشور با استقبال زیادی در داخل و خارج ایران مواجه شده است. چرا که این منشور حداقلی مطالبات بیش از چهار دهه انباشته شده اکثریت مردم ایران، جنبش‌های اجتماعی و همچنین انقلاب «زن، زندگی، آزادی» را بیان می‌کند. تدوین‌کنندگان آن، تاکید کرده‌اند که این منشور حداقلی است و راه برای تکامل آن باز است.



اما اکنون با انتشار منشور ۶ نفره، به‌نظر می‌رسد تدوین‌کنندگان آن، این منشور ۲۰ تشکل صنفی و مدنی ایران را قبول ندارند و به همین دلیل، با عجله به فکر سرهم‌بندی کردن منشور دیگری افتاده‌اند.

البته ناگفته نماند که آزادی بیان و اندیشه حق هر شخصی و جریانی است که اهداف و افکار خود را از هر طریق ممکن، به اطلاع جامعه برساند. اما موج سواری و فرصت‌طلبی از یک انقلاب عظیم مردمی، کاریست حقیرانه و

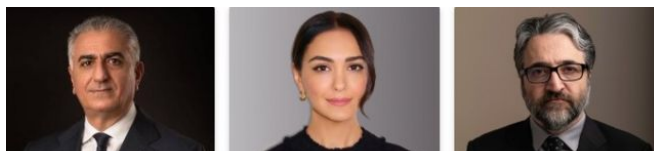
ضدانقلابی، و به همین دلیل باید چنین اقداماتی را شدیداً محکوم کرد و فرصت نداد تا جریانات قدرت طلب و فرصت طلب، انقلاب مردم را به انحراف بکشانند و فدای منافع حقیر فرقه‌ای و سیاسی خود بکنند.

حامد اسماعیلیون، نازنین بنیادی، رضا پهلوی، شیرین عبادی، مسیح علینژاد و عبدالله مهتدی اولین امضاءکنندگان این متن هستند.

در این متن، به «انحلال سپاه» و در چند جای آن بر «یکپارچگی سرزمینی» تأکید شده است. در حالی که انقلابیون خواهان سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی ایران و انحلال همه نیروهای سرکوبگر انتظامی، نظامی، امنیتی و شخصی هستند اما منتشرکنندگان این متن، فقط خواهان انحلال سپاه پاسداران شده‌اند؟ به علاوه مهم‌تر از همه، روشن نیست چه کسی و چه نیرویی خواهان برهم زدن یکپارچگی ایران است که باز تدوین‌کنندگان این متن، چندین بار به آن تأکید ورزیده‌اند؟!

این منشور ۱۷ بند دارد. در نخستین بند این منشور بر ضرورت «تعیین نوع حکومت از طریق همه‌پرسی و استقرار یک نظام دموکراتیک سکولار (بر مبنای اصل جدایی دین از حکومت)» تأکید شده است.

دومین بند این منشور درباره «حفظ یکپارچگی سرزمینی ایران با پذیرش گوناگونی زبانی، قومی (اتنیکی)، مذهبی و فرهنگی آن» است. گفته می‌شد این موضوع، پیش‌تر از موارد اختلاف شماری از چهره‌ها و احزاب به شمار می‌آمد. بعدتر در بند ششم و ذیل بخشی با عنوان «حقوق بشر و کرامت انسانی» به «پذیرش جایگاه زبان‌های مادری بر اساس قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی» هم اشاره شده است.



تدوین‌کنندگان این منشور بر این نظرند که انزوای جهانی جمهوری اسلامی از اولین گام‌های لازم برای ایجاد تغییر در ایران و است و در این چارچوب باید خواسته‌های زیر پیگیری شود:

۱. ایجاد فشار بین‌المللی بر جمهوری اسلامی برای لغو حکم اعدام و آزاد کردن بی قید و شرط و فوری تمام زندانیان سیاسی.

۲. رایزنی با دولت‌های دموکراتیک برای اخراج سفرای جمهوری اسلامی.

۳. رایزنی با دولت‌های دموکراتیک برای اخراج وابستگان جمهوری اسلامی در کشورهای متبوع خود.

۴. رایزنی با دولت‌های دموکراتیک برای حمایت از این منشور و سازماندهی پس از آن.

۵. ایجاد راه‌هایی برای یاری‌رسانی به مردم ایران.

این پنج بند نشان می‌دهد که این شش نفر، بخش مهم موفقیت منشورشان را به عملکرد دولت‌ها در رابطه با جمهوری اسلامی گره زده‌اند نه انقلاب مردم! در حالی که اولویت دولت‌ها، اصلاح جمهوری اسلامی است و نه برکناری آن!

همین امروز اعلام شد که روابط عربستان و ایران پس از سال‌ها، مجدداً از سر گرفته شده و چند روز پیش نیز اعلام شده که آژانس بین‌المللی اتمی نیز با جمهوری اسلامی به توافقاتی رسیده است و...

روشن است که اولاً جایگاه اجتماعی و اهداف منشور ۲۰ تشکل صنفی و مدنی داخل ایران با منشور ۶ نفری خارج از کشور، از نظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تفاوت زیادی با همدیگر دارند و به هیچ‌وجه قابل مقایسه نیستند. به همین دلیل، هر جریانی و فردی که در داخل و خارج کشور، دلش انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و برقراری واقعی آزادی و برابری و عدالت اجتماعی در ایران می‌طپد و با این اهداف خواهان سرنگونی هرچه سریع‌تر کلیت جمهوری اسلامی است؛ تنها امیدش به جنبش‌های اجتماعی و مبارزه قدرتمند نیروی جوان جسور و انقلابی‌دختر و پسر داخل کشور است نه به چند چهره سیاسی خارج کشور و آن‌هم کمابیش یک گرایش ناسیونالیستی تمایل به سلطنت! به‌خصوص بخش وسیع اپوزیسیون وسیع جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور، به‌ویژه نیروهای چپ، بخش‌هایی از جمهوری‌خواهان، سکولارها، مجاهدین خلق و همچنین مردمان تحت ستم کرد، بلوچ، ترک، لر، عرب، گیلک و...، با سلطنت‌طلبان مرزبندی سفت و سختی دارند!

به‌خصوص امروز سلطنت‌طلبان و شاه‌پرستان حامی رضا پهلوی، با رونمایی پرویز ثابتی، این چهره مخوف شکنجه‌گر و آدم‌کش ساواک حکومت شاه، نقش چماقداران حزب‌اللهی و شعبان‌بی‌مخی در خارج کشور را در پیش گرفته‌اند، در تجمعات به به نیروهای مخالف احیای سلطنت، پرخاشگری می‌کنند و حتی کتک می‌زنند؛ آن‌ها از هم اکنون مخالفین خود را تهدید به اعدام می‌کنند. پس اصولاً این جریان خشونت‌طلب و واپس‌گرا، هیچ جایی در انقلاب جاری ایران ندارد و ضدانقلاب محسوب می‌شود!

همچنین کیش شخصیت خیلی وقت است که از مد افتاده و به حاشیه عقب‌مانده جوامع رانده شده است. اکنون حرف اول و آخر تحولات سرنوشت‌ساز سیاسی و اجتماعی را جنبش‌های اجتماعی می‌زنند نه حتی احزاب و سازمان‌های سیاسی؛ تا چه برسد به «شخصیت‌ها»؛ آن‌هم نه چندان با شخص معروف و خوش‌نام.

اکنون یکی از شعارهای میلیون‌ها مخالف جمهوری اسلامی در داخل ایران، از جمله شعار «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر» است. فرقه‌های سلطنت‌طلب، در همین تجمع اخیر بروکسل، کسانی که این شعار را حمل می‌کردند حمله کردند و یکی از تظاهرکنندگان نیز ضربه مغزی کرده و راهی بیمارستان نمودند که بعداً معلوم شد که فرد آسیب دیده هوادار مجاهدین خلق بوده است. فرد ضارب که گفته می‌شود قبلاً از چماقداران جمهوری اسلامی بوده و اکنون به خارج کشور آمده و به چماقداران رضا پهلوی پیوسته است در همین تجمع بروکسل، با حامد اسماعیلیون و مسیح علینژاد عکس اختصاصی گرفته و در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده است. تاکنون نه رضا پهلوی و نه اسماعیلیون و نه علینژاد، این اقدام گستاخانه و وقیحانه این عنصر چماقدار را محکوم نکرده‌اند.

بسیست تشکل صنفی و مدنی مستقل در ایران با انتشار منشوری، «مطالبات حداقلی» خود را در قالب ۱۲ بند مطرح کرده و تاکید کردند، تحقق این خواسته‌ها تنها راه ایجاد «ساختمان جامعه‌ای نوین و مدرن و انسانی» در ایران است. این منشور، اعتراضات ۱۴۰۱ ایران را بر آمده از «متن جنبش‌های بزرگ و مدرن اجتماعی» دانسته و به نقش «نسلی شکست‌ناپذیر» در این جنبش اشاره کرده که «مصمم‌اند بر تاریخ یک‌صد سال عقب‌ماندگی و در حاشیه ماندن آرمان برپایی جامعه‌ای مدرن و مرفه و آزاد در ایران، نقطه پایانی بگذارند».

امضاءکنندگان این منشور از جنبش‌های اجتماعی خواستند تا با تمرکز بر اتحاد و هم‌پیوستگی، این مطالبات را در کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس، محلات و در «صحنه جهانی» فریاد بزنند.



آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، لغو فوری مجازات مرگ، برابری کامل حقوق زنان با مردان و جلوگیری از اعمال کنترل مردسالارانه، جدایی دین از سیاست، امحای قوانین مبتنی بر تبعیض ملی و مذهبی از جمله موارد ذکر شده در این منشور است.

امضاءکنندگان این منشور، همچنین خواستار «مصادره اموال همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی و خصوصی که با رانت حکومتی اموال و ثروت‌های اجتماعی مردم ایران را به یغما برده‌اند» شده و تأکید کرده‌اند، این ثروت باید نیازهای مناطقی که «در دو حکومت جمهوری اسلامی و رژیم سلطنتی» از امکانات رفاهی محروم بوده‌اند را فراهم کند.

عادی‌سازی روابط خارجی در بالاترین سطوح با همه کشورهای جهانی، ممنوعیت دستیابی به سلاح اتمی و «برچیده شدن ارگان‌های سرکوب» از دیگر خواسته‌های امضاءکنندگان در این منشور است.

تدوین کنندگان این منشور، در پایان آن تأکید کرده‌اند:

«مطالبات مطروحه در این منشور، محورهای کلی مطالبات ما امضاءکنندگان را لحاظ و بدیهی‌ست در تداوم مبارزه و همبستگی خود به صورت ریز و دقیق‌تری به آن‌ها خواهیم پرداخت.»

به این ترتیب، شکی نیست که نیروهای چپ، سکولار، آزادی‌خواه و برابری‌طلب خارج کشور، از منشور ۲۰ تشکل صنفی و مدنی که اشاره شد دفاع می‌کنند نه از منشور چند شخص ناسیونالیست و سلطنت‌طلب!

زنده باد:

انقلاب «زن، زندگی، آزادی»

«اداره شورایی در ایران»

سرنگون باد کلیت جمهوری اسلامی ایران!

جمعه نوزدهم اسفند- حوت- ۱۴۰۱- دهم مارچ ۲۰۲۳

ضمیمه:

منشور مطالبات حداقلی تشکلهای مستقل صنفی و مدنی ایران

۲۵ بهمن ۱۴۰۱

زن، زندگی، آزادی

مردم شریف و آزاده ایران!

در چهل و چهارمین سالروز انقلاب پنجاه و هفت، شیرازه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور به چنان گردابی از بحران و از هم گسیختگی فرو رفته است که هیچ چشم‌انداز روشن و قابل حصولی را نمی‌توان برای پایان دادن به آن در چهارچوب روبنای سیاسی موجود متصور بود. هم از این رو است که مردم ستمدیده ایران_ زنان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب_ با از جان گذشتگی کم‌نظیری خیابان‌های شهرها را در سراسر کشور به مرکز مصافی تاریخی و تعیین کننده برای خاتمه دادن به شرایط ضد انسانی موجود تبدیل کرده‌اند و از پنج ماه پیش_ به رغم سرکوب خونین حکومت_ لحظه‌ای آرام نگرفته‌اند.

پرچم اعتراضات بنیادینی که امروز به‌دست زنان، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان، کارگران و دادخواهان و هنرمندان، کوئیرها، نویسندگان و عموم مردم ستمدیده ایران در جای جای کشور از کردستان تا سیستان و بلوچستان برافراشته شده و کم سابقه‌ترین حمایت‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده، اعتراضی است علیه زن ستیزی و تبعیض جنسیتی، ناامنی پایان ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار، فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، ستم ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیر مذهبی که در طول بیش از یک قرن گذشته، بر ما - عموم مردم ایران_ تحمیل شده است.

این اعتراضات زیر و رو کننده، برآمده از متن جنبش‌های بزرگ و مدرن اجتماعی و خیزش نسل شکست ناپذیری است که مصمم‌اند بر تاریخ یکصد سال عقب‌ماندگی و در حاشیه ماندن آرمان بر پایی جامعه ای مدرن و مرفه و آزاد در ایران، نقطه پایانی بگذارند.

پس از دو انقلاب بزرگ در تاریخ معاصر ایران، اینک جنبش‌های بزرگ اجتماعی پیشرو_ جنبش کارگری، جنبش معلمان و بازنشستگان، جنبش برابری خواهانه زنان و دانشجویان و جوانان و جنبش علیه اعدام و..._ در ابعادی توده‌ای و از پایین در موقعیت تاثیر گذاری تاریخی و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گرفته‌اند.

از همین رو، این جنبش برآن است تا برای همیشه به شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالا پایان دهد و سر آغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهایی مردم از همه اشکال ستم و تبعیض و استثمار و استبداد و دیکتاتوری باشد. ما تشکله‌ها و نهادهای صنفی و مدنی امضا کننده این منشور با تمرکز بر اتحاد و به هم پیوستگی جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضد انسانی و ویرانگر موجود، تحقق خواستهای حداقلی زیر را به مثابه اولین فرامین و نتیجه‌ی اعتراضات بنیادین مردم ایران، یگانه راه پی افکنی ساختمان جامعه‌ای نوین و مدرن و انسانی در کشور می‌دانیم و از همه انسان‌های شریف که دل درگرو آزادی و برابری و رهایی دارند می‌خواهیم از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و محلات تا صحنه جهانی پرچم این مطالبات حداقلی را بر بلندای قله رفیع آزادیخواهی برافراشته دارند.

۱. آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، منع جرم انگاری فعالیت سیاسی و صنفی و مدنی و محاکمه علنی آمرین و عاملین سرکوب اعتراضات مردمی.

۲. آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، تحزب، تشکلهای محلی و سراسری صنفی و مردمی، اجتماعات، اعتصاب، راهپیمایی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های صوتی و تصویری.

۳. لغو فوری صدور و اجرای هر نوع مجازات مرگ، اعدام، قصاص و ممنوعیت هر قسم شکنجه روحی و جسمی.

۴. اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، امحا و لغو بی قید و شرط قوانین و فرم‌های تبعیض آمیز علیه تعلقات و گرایشهای جنسی و جنسیتی، به رسمیت شناختن جامعه‌ی رنگین کمانی “ال‌جی‌بی‌تی‌کیو‌ای‌ای‌پلاس”، جرم زدایی از همه تعلقات و گرایشهای جنسیتی و پایبندی بدون قید و شرط به تمامی حقوق زنان بر بدن و سرنوشت خود و جلوگیری از اعمال کنترل مردسالارانه.
۵. مذهب امر خصوصی افراد است و نباید در مقدرات و قوانین سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور دخالت و حضور داشته باشد.
۶. تامین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکشان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نماینده‌های منتخب تشکلهای مستقل و سراسری آنان.
۷. امحا قوانین و هرگونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و مذهبی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب حمایتی و توزیع عادلانه و برابر امکانات دولتی برای رشد فرهنگ و هنر در همه مناطق کشور و فراهم کردن تسهیلات لازم و برابر برای یادگیری و آموزش همه زبان‌های رایج در جامعه.
۸. بر چیده شدن ارگانهای سرکوب، محدود کردن اختیارات دولت و دخالت مستقیم و دائمی مردم در اداره امور کشور از طریق شوراهای محلی و سراسری. عزل هر مقام دولتی و غیر دولتی توسط انتخاب کنندگان در هر زمانی باید جزو حقوق بنیادین انتخاب کنندگان باشد.
۹. مصادره اموال همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی و خصوصی که با غارت مستقیم و یا رانت حکومتی، اموال و ثروت‌های اجتماعی مردم ایران را به یغما برده‌اند. ثروت حاصل از این مصادره‌ها، باید به فوریت صرف مدرن سازی و بازسازی آموزش و پرورش، صندوق‌های بازنشستگی، محیط زیست و نیازهای مناطق و اقشاری از مردم ایران شود که در دو حکومت جمهوری اسلامی و رژیم سلطنتی محروم و از امکانات کمتری برخوردار بوده‌اند.
۱۰. پایان دادن به تخریب‌های زیست محیطی، اجرای سیاستهای بنیادین برای احیای زیرساخت‌های زیست محیطی که در طول یکصد سال گذشته تخریب شده‌اند و مشاع و عمومی کردن آن بخش‌هایی از طبیعت، (همچون مراتع، سواحل، جنگل‌ها و کوهپایه‌ها) که در قالب خصوصی سازی حق عمومی مردم نسبت به آن‌ها سلب شده است.
۱۱. ممنوعیت کار کودکان و تامین زندگی و آموزش آنان جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده. ایجاد رفاه همگانی از طریق بیمه بیکاری و تامین اجتماعی قدرتمند برای همه افراد دارای سن قانونی آماده به کار و یا فاقد توانایی کار. رایگان سازی آموزش و پرورش و بهداشت و درمان برای همه مردم.
۱۲. عادی سازی روابط خارجی در بالاترین سطوح با همه کشورهای جهان بر مبنای روابطی عادلانه و احترام متقابل، ممنوعیت دستیابی به سلاح اتمی و تلاش برای صلح جهانی.
- از نظر ما مطالبات حداقلی فوق با توجه به وجود ثروت‌های زیر زمینی بالقوه و بالفعل در کشور و وجود مردمی آگاه و توانمند و نسلی از جوانان و نوجوانانی که دارای انگیزه فراوان برای برخورداری از یک زندگی شاد و آزاد و مرفه هستند، به فوریت قابل تحقق و اجراست.
- مطالبات مطروحه در این منشور، محورهای کلی مطالبات ما امضاءکنندگان را لحاظ و بدیهیست در تداوم مبارزه و همبستگی خود به صورت ریز و دقیق‌تری به آن‌ها خواهیم پرداخت.
- شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران
- اتحادیه آزاد کارگران ایران

اتحادیه تشکل‌های دانشجویی دانشجویان متحد
کانون مدافعان حقوق بشر
سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
خانه فرهنگیان ایران(خافا)
بیدارزنی
ندای زنان ایران
صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز
کانون مدافعان حقوق کارگر
انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
اتحاد بازنشستگان
شورای بازنشستگان ایران
تشکل دانشجویان پیشرو
شورای دانش آموزان آزاد اندیش ایران
سندیکای نقاشان استان البرز
کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران
شورای بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی(بستا)